

گردآورنده : ع. نایبخل

استراتژی اوباما و ابراز نظرهای سناتوران امریکایی

تعدادی از اعضای سناتوران امریکا قبل از تصمیم اوباما در رابطه به افغانستان ابراز نظر کردند که فشرده بی از آنها چنین است:

جان میکین سناتور از حزب جمهوریخواه می گوید: «او خواهان اعزام قوای بیشتر است، ولی در مورد گزارشهای نگران است که گفته اند بارک اوباما ممکن است زمانی را برای ختم عملیات اردوی امریکا در افغانستان اعلام دارد.»

سناتور امریکایی **جان کیل** می گوید: «من فکر میکنم، تمام این گفتگوها در مورد ستراتیژی خروج واقعاً خطرناک است. این به طالبان می گوید که تا زمانیکه ما منطقه را ترک می گوئیم، خود را آرام بگیرد. به طور مثال اروپاییها و یا متحدین ما در ناتو را تشویق نمی کند، که این داعیه است که حمایت از ارزشهای آن مستلزم اعزام نیروهای بیشتر آنان میباشد.»

رابرت گیبس سخنگوی قصر سفید این گفته جان کیل را رد نموده و گفت: «این یک تعهد نا محدود نیست که ما در آنجا حضور داشته و با افغانها همکاری می نمایم، تا نیروهای امنیتی افغان یعنی اردو و پولیس را تعلیم دهیم که بتوانند امنیت را در کشور شان مستقر سازند. امتناع حکومت از قبولی یک پالیسی نا محدود تعهدات نیروهای ایالات متحده، نه شورشیان را ترغیب می نماید و نه هم متحدین را دلسرد میسازد.»

گروهی از اعضای کانگرس امریکا طی یک کنفرانس مطبوعاتی در شام سه شنبه مؤرخ اول دسامبر مخالفت خود را در مورد افزایش قوای اضافی به افغانستان اظهار داشتند.

سناتور **رسل فاینگولد** از ایالات وینکانسن که در قسمت شمولیت درجنگ عراق موافق بود، اکنون می گوید افزایش قوا به افغانستان اشتباه جدی بوده و این کار ممکن است پاکستان را بی ثبات تر سازد.

سناتور **فاینگولد** تهدید کرد که اگر رئیس جمهور اواما اعلام کند که یک تعداد زیاد قوا را به افغانستان اعزام خواهد کرد، کانگرس ممکن است در مورد اقدام نماید.

چندین تن از اعضای دیگر کانگرس به شمول **والتر جونز** نماینده ایالت کرولینای شمالی گفت: یک تعداد زیاد مردم درهنگام رخصتیهای روز شکر گزاری نزد او آمده و مخالفت خود را در رابطه با شمولیت امریکا در جنگ افغانستان اظهار داشتند. (بدون مبالغه یک تعداد نهایت زیاد مردم نزد من آمده بودند، و می گفتند که «آیا ما در افغانستان چی می خواهیم بکنیم؟ کشور خود ما چطور میشود؟ ما حتی جاده های شهر خود را ترمیم کرده نمی توانیم.»)

جیمز میگاویرن، عضو کانگرس نماینده ایالت مسه چوسیتس گفت: اعزام ده ها هزار عسکر به افغانستان برای امریکا این را مشکل می سازد که خود را از مشکلات در آنجا آزاد سازد، و اضافه کرد که: کانگرس درین قسمت باید نقش عمده داشته باشد.

جان میکین، سناتور از حزب جمهوریخواه بروز سه شنبه نظر کاملاً متفاوتی را اظهار نمود. او گفت: «او طرفدار اعزام قوای بیشتر به افغانستان است». میکین که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ رقیب بارک اواما بود همچنان در مورد گزارشهای اظهار نگرانی نمود که می گویند اواما ممکن است برای بیرون نمودن قوا از افغانستان زمانی را تعیین نماید. وی افزود که: «به نظر من وقت خروج باید نظر به اوضاع و شرایط تعیین گردد. راه شکست دادن دشمن، کشتن اراده دشمن است، نه اعلام تاریخ خروج.»

روز دوشنبه اول دسامبر در لندن، **گوردن برون**، صدراعظم بریتانیا گفت: او 500 عسکر اضافی بریتانوی را در ماه دسامبر به افغانستان می فرستد تا قوای مستقر آنکشور را در افغانستان تقویه نماید. برون گفت: این تصمیم را به خاطر مصئونیت برتانیه اتخاذ نموده است.

مارشال **جاک سترپ**، قوماندان قوای بریتانوی گفت: کشور او همچنان لوازم جدید، که شامل هلیکوپترها، وسایط نقلیه زره پوش، طیاره های بدون پیلوت به خاطر گزمه هوایی، و کارمندان خنثی کننده ماین را به خاطر تقویه قوای بریتانوی به افغانستان می فرستد.

هیرفی مورہ، وزیر دفاع فرانسه شام دوشنبه گفت: «توقع نمی‌رود که فرانسه نیروی اضافی را به افغانستان اعزام نماید. ولی او گفت فرانسه در نظر دارد با تهیهٔ مساعدت بیشتر برای بازسازی، نقش آن کشور را در جنگ بارز سازد.»

روز شنبه، گوردن براون صدر اعظم بریتانیا برای رئیس جمهور کرزئی در اعلان معیارهای پیشرفت در رابطه با امنیت و سیاست، زمان مشخصی را تعیین کرد. براون گفت: «او تا ۲۸ جنوری خواهان یک پلان قابل اعتبار برای تربیه عساکر بیشتر افغان است»، این تاریخی است که بریتانیا کنفرانس بین المللی را در رابطه با افغانستان میزبانی می‌کند.»

بارک اوباما رئیس جمهور امریکا استراتژی دولت خویش را در اکادمی وست پوینت (محصّلین اکادمی نظامی) به تاریخ اول دسامبر، با بیان جملات ذیل در رابطه به افغانستان آغاز کرد:

«من می‌خواهم امشب در مورد مساعی ما در افغانستان، هویت و تعهد ما در آنجا، وسعت علاقهٔ ما و استراتژیی که حکومت من برای تکمیل مؤفقانهٔ آن کار می‌کند، با شما صحبت کنم.»

این باعث افتخار من است که در اینجا، در اکادمی وست پوینت، که یک عدهٔ زیاد مردان و زنان جهت مبارزه برای امنیت ما و بهترینهای کشور ما، آماده گی می‌گیرند.

برای مطرح نمودن این موضوعات، این مهم است که به خاطر بیاوریم چرا امریکا و متحدین ما در افغانستان مجبور به جنگ شدند. ما خواستار این جنگ نشدیم. به تاریخ ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ زده تن، چهار طیاره را ربودند و برای قتل بیش از سه هزار نفر از آن استفاده کردند.

آنها بر مراکز قوای نظامی و اقتصادی ما حمله نمودند. آنها مردان، زنان و کودکان بیگناه ما را بدون در نظر داشت عقیده، نژاد و یا موقعیت به قتل رسانیدند. اگر به خاطر اعمال قهرمانانهٔ سرنشینان یکی ازین طیاره ها نمی بود، آنها بر یکی از بزرگترین سمبولهای دموکراسی ما در واشنگتن نیز حمله نموده و یک عدهٔ بیشتر را به قتل می‌رسانیدند.

طوریکه میدانیم، این افراد مربوط القاعده بودند، یک گروهٔ افراطی که اسلام را منحیث یکی از بزرگترین مذاهب جهان تحریف کرده اند، تا قتل عام مردم بیگناه را توجیه نموده باشند. پایگاه عملیات القاعده در افغانستان بود، جایی که طالبان، یک جنبش ظالم، مختنق و افراطی که کنترل

آنکشور جنگ زده را بعد از اشغال شوروی و جنگ داخلی و بعد از آنکه توجه امریکا و دوستان آن منحرف گردید، بدست گرفت و به القاعده پناه داده بود.

صرف چند روز بعد از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ کانگرس استفاده از قوه را علیه القاعده و کسانی که به آن پناه داده بودند، اجازه داد و این اجازه هنوز هم ادامه دارد. در رأی گیری مجلس سنا ۹۸ سناتور به آن رأی دادند بدون اینکه کسی برخلاف آن رأی بدهد. رأی گیری در مجلس نماینده گان ۴۲۰ به مقابل یک بود. ناتو برای اولینبار در تاریخ آن اتحادیه، از فقره پنجم استفاده نمود و آن تعهدیست که می گوید حمله بر یک عضو آن، حمله بر همه اعضاست و شورای امنیت ملل متحد استفاده از همه اقدامات لازم را برای پاسخ به حملات ۱۱ سپتمبر تصویب کرد. امریکا، متحدین ما و جهان برای از بین بردن شبکه دهشت افگنی القاعده مثل یک مرجع عمل میکردند تا از امنیت دسته جمعی ما محافظت نمایند.

ما تحت پرچم اتحاد داخلی و مشروعیت بین المللی و صرف بعد از آنکه طالبان از تسلیمی اسامه بن لادن امتناع ورزید، عساکر ما را به افغانستان اعزام نمودیم. ظرف چند ماه، القاعده پراکنده شد و بسیاری از اعضای آن به قتل رسیدند. طالبان از قدرت برانداخته و عقب زده شدند. سرزمینی که براه ده ها سال صرف ترس را دیده بود، دلیلی برای امیدواری یافت. طی کنفرانسی که توسط ملل متحد دایر شده بود، یک حکومت مؤقت تحت ریاست حامد کرزی تشکیل گردید و یک قوای بین المللی مساعدت امنیتی یعنی آیساف تاسیس شد تا صلح پایداری را در آنکشور جنگ زده به میان آورد.

متعاقباً در اوایل سال ۲۰۰۳، تصمیم گرفته شد تا جنگ دومی را با عراق به راه اندازیم. مباحثات روی جنگ عراق شهرت کافی دارد و لازم نیست تکرار کرد. کافیسست بگوئیم که شش سال بعد عراق یک بخش عمده عساکر ما را مشغول ساخت و منابع ما، دیپلوماسی و توجه ملی ما را احتوا کرد و تصمیم جنگ عراق اختلافی را بین امریکا و یک قسمت زیاد جهان سبب گردید.

امروز بعد از مصارف فوق العاده، ما جنگ عراق را به یک پایان مسؤولانه می رسانیم ما عساکر محارب خود را تا تابستان آینده و همه عساکر ما را تا ختم سال ۲۰۱۱ از عراق خارج خواهیم کرد. این که ما این کار را می کنیم گواهی کرکتر زنان و مردان قوای نظامی ماست. از برکت شجاعت ثابت و پایداری آنها، ما برای عراقیها فرصت تصمیم در مورد سرنوشت شان را فراهم کردیم و ما عراق را مؤفقانه به مردم آنکشور واگذار می شویم.

اما ما در حالیکه در عراق با مشکلات زیاد دست آوردهای تاریخی داشتیم، در افغانستان اوضاع رو به خرابی نهاد. رهبری القاعده بعد از آنکه در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به پاکستان فرار کردند، پناه گاه خود را در آنجا بنا نمودند. اگر چی مردم افغانستان یک حکومت مشروع را انتخاب کردند، اما این حکومت را فساد اداری، قاچاق مواد مخدر، اقتصاد انکشاف نیافته و عدم موجودیت قوای امنیتی کافی مانع می شود. طی چند سال گذشته طالبان هدف مشترک خود را با القاعده نگه داشته است و آن برانداختن حکومت افغانستان است. طالبان تدریجاً به اخذ کنترل بخش هایی از افغانستان را آغاز نموده و در عین زمان به طور فزاینده یی اعمال تباه کننده دهشت افگنی را علیه مردم پاکستان براه انداخته است.

مردم افغانستان برای ده ها سال خشونت را تحمل کردند، آنها با اشغال اتحاد شوروی و بعد جنگجویان خارجی القاعده مقابل شدند که از سر زمین افغانستان برای مقاصد شان استفاده نمودند، لذا امشب می خواهیم که مردم افغانستان بدانند، امریکا در صدد خاتمه دادن به این دوران جنگ و رنج است. ما علاقه مندی به اشغال کشور شما نداریم، ما از مساعی حکومت افغانستان برای باز کردن باب مذاکره با آن طالبانی که خشونت را ترک گویند و حقوق انسانی همشریان شان را احترام گذارند پشتیبانی می کنیم و ما در صدد شراکت با افغانستان بر اساس احترام متقابل برای تجرید آنانی خواهیم بود که:

- تخریب کاری می کنند،
- برای استحکام آنانی که اعمار می نمایند،
- تقویه تسریع روزی که عساکر ما آنجا را ترک گویند،
- ایجاد دوستی پایداری که در آن امریکا شریک شما خواهد بود و هیچ گاهی شمارا تحت الحمايه قرار نخواهد داد، کار خواهیم کرد.
- ما با درک کامل این امر که پیروزی ما در افغانستان ارتباطی نا گسستنی به شراکت ما با پاکستان دارد، اقدام می نماییم.

ما برای جلوگیری از سرطان در افغانستان هستیم که بار دیگر در آن کشور سرایت میکند.

ولی، همین سرطان در منطقه سرحدی پاکستان نیز ریشه دارد و به همین دلیل است که ما به استراتژی نیاز داریم که در هر دو جانب سرحد کار نماید.

در گذشته افرادی در پاکستان بوده اند که استدلال می کردند که مبارزه علیه افراط گرایی نبرد آنها نیست و اینکه پاکستان با اقدام کمتر و یا مسامحه با آنانی که از خشونت استفاده می کنند، وضع بهتری خواهد داشت، ولی درسالهای اخیر با کشته شدن، مردم بیگناه از کراچی تا اسلام آباد واضح گردید که این مردم پاکستان هستند که بیشتر در معرض خطر از جانب افراط گراها قرار دارند. افکار عامه تغیر نمود، اردوی پاکستان تهاجمی را در سوات و وزیرستان جنوبی به راه انداخت و شکی نیست که ایالات متحده و پاکستان دشمن مشترکی دارند.

در گذشته ما هم اکثراً روابط خود را با پاکستان محدود تعریف میکردیم، آن روزها گذشته است، برای پیشرفت ما به مشارکت با پاکستانی متعهد هستیم که مربوط بر منافع مشترک، احترام متقابل و اعتماد متقابل. ما ظرفیت پاکستان را استحکام خواهیم بخشید تا گروه های را هدف قرار بدهد که کشورهای ما را تهدید می کنند و این را واضح ساختیم که ما پناه گاه مصؤون را برای دهشت افکنانی که موقعیت شان معلوم است و نیت شان واضح است، تحمل نخواهیم کرد.

امریکا همچنان منابع قابل ملاحظه را برای پشتیبانی از دموکراسی و انکشاف پاکستان فراهم میسازد.

ما بزرگترین پشتیبان بین المللی برای آن پاکستانی هایی هستیم که در اثر جنگ بیجا شده اند، و برای پیشرفت در این جهات مردم پاکستان باید بدانند که امریکا پشتیبان قوی امنیت و آسایش پاکستان برای مدتهای طولانی بعد از آنکه تفنگها خاموش گردد، باقی خواهد ماند، تا آنکه استعداد بزرگ مردم آن شگوفان شود.

اینها سه عنصر اصلی ستراتیژی ماست:

۱-مساعدی نظامی برای ایجاد شرایط برای انتقال،

۲-یک افزایش ملکی که اقدامات مثبت را تقویه نماید،

۳-مشارکت مؤثر با پاکستان.

من درک می کنم که یک سلسله نگرانیهای در مورد روش ما موجود است، اجازه بدهید مختصراً به چند استدلال عمده که شنیده ام و آن را بسیار جدی میگیرم، اشاره نمایم.

نخست: آنانی هستند که استدلال می کنند، **افغانستان ویتنام** دیگر نیست.

آنها استدلال میکنند که این کشور با ثبات شده نمی تواند و بهتر است ما تلفات خود را متوقف بسازیم و به سرعت خارج شویم.

این استدلال متکی بر شناخت نادرست از تاریخ است، برخلاف ویتنام، ما به یک بغاوت با پایه های وسیع مواجه نیستیم، و مهمتر از آن برعکس ویتنام، مردم امریکا مذبوهانه از افغانستان مورد حمله قرار گرفتند و به حیث هدف افراطیون قرار دارند که از امتداد سرحد آنکشور دسیسه میکنند.

اگر این ساحه را حالا ترک بگوییم، تنها بر مساعی علیه القاعده از فاصله دور اتکا کنیم، توانایی خود را برای حفظ فشار بر القاعده به نحو قابل ملاحظه صدمه خواهیم زد و خطر غیر قابل قبول حملات بیشتر را بر سرزمین خویش و متحدین ما ایجاد خواهیم کرد.

ثانیاً، هستند کسانی که می گویند: ما نمیتوانیم افغانستان را در حالت موجود ترک نماییم، اما ابراز نظر می نمایند که با سطح موجوده عساکر باید به پیش برویم، اما این اقدام وضع موجود را نگه خواهد داشت که ما درگیر آن هستیم، می گذارد که اوضاع در آنجا به آهسته گی روبه وخامت برود و چنین امری بالاخر مصارف زیادی به کار خواهد داشت و موجودیت ما را در افغانستان طولانی خواهد ساخت، زیرا ما هیچگاهی قادر نخواهیم بود، شرایطی را به وجود آوریم که مسؤولیت را به قوای امنیتی افغانستان بسپاریم.

بلاخر هستند کسانی که با تعیین تقسیم اوقات برای انتقال مسؤولیت به افغانها مخالفت می کنند. درحقیقت برخی توسعه قابل ملاحظه و بی پایان جنگ مساعی محاربوی ما را تقاضا دارند، چیزی که ما را به پروژه ملت سازی تا 10 سال متعهد میسازد، من این مسیر را رد میکنم زیرا، اهدافی را تعیین می نماید که فراتر از آن چیز است که ما میتوانیم، ما مصارف معقول بدست آوریم و آن چی ما ضرورت داریم که بدست آوریم، تأمین منافع ماست، مزید بر آن عدم موجودیت یک تقسیم اوقات برای امنیت ما را از هرگونه تعجیل در کار کردن با حکومت افغانستان باز میدارد، باید واضح گردد که افغانها باید مسؤولیت امنیت شان را بدست بگیرند و امریکا علاقمندی به یک جنگ بی پایان در افغانستان ندارد، به حیث رئیس جمهور از تعیین اهدافی که فراتر از مسؤولیت ما باشد رد می کنم، یعنی ابزار و منافع ما.

و من باید بر آزمونهای که ملت ما با آن مواجه است، تاکید نمایم، من این تجمل تعهد به تنها یک امر را ندارم در حقیقت من به این کلمات رئیس جمهور آیزن هاور، فکر می کنم که وقتی در مورد امنیت

ملی ما گفته بود: «هر پیشنهاد باید در پرتو تعمق وسیع یعنی ضرورت به حفظ موازنه در برنامه های ملی دیده شود.»

در سراسر این مدت تعداد عساکر ما در افغانستان یک مقدار کوچک تعداد عساکر ما در عراق بود. وقتی من پست ریاست جمهوری را اختیار کردم، ما صرف ۳۲ هزار عسکر در افغانستان داشتیم، به مقایسه ۱۶۰ هزار عساکر ما در عراق که در اوج جنگ بود. قوماندانها در افغانستان مکرراً خواستار عساکر بیشتر می شدند تا با طالبان که جهش تازه یافته بود برخورد نمایند، اما این نیروهای اضافی برای شان نرسید. به همین دلیل وقتی من کار خود را آغاز کردم، تقاضای دیرینه برای عساکر اضافی را منظور کردم. من بعد از مشوره با متحدین ما استراتژی را اعلام نمودم که ارتباط بین مساعی جنگ ما در افغانستان و پناه گاه افراطیون در پاکستان را اذعان کرد. من هدفی را تعیین کردم که خیلی مشخص اخلال، از بین بردن و شکست القاعده و متحدین افراطی آن را تعیین کرده و تعهد نمودم که به قوای نظامی ما و مساعی ملکی را انسجام بیشتر بدهم.

از آن وقت تاکنون ما در قسمت بعضی از اهداف مهم پیشرفت هایی نموده ایم. رهبران عالیرتبه القاعده و طالبان کشته شده اند و ما فشار را بر القاعده در سراسر جهان بیشتر ساخته ایم. در پاکستان اردوی آنکشور به بزرگترین تهاجم خود طی سالها مشغول است. در افغانستان ما و متحدین ما طالبان را از متوقف ساختن انتخابات مانع شدیم و اگرچی این انتخابات به خاطر **تقلب لکه دار** شد ولی حکومتی را به میان آورد که مطابق به قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان است.

با آنهم چالشهای بزرگی باقی مانده است. افغانستان از دست نرفته، ولی چندین سال به عقب رفته است. خطر فوری برای برانداختن حکومت وجود ندارد، ولی طالبان جهش تحرک کسب کرده است. القاعده در افغانستان دوباره به تعداد قبل از حمله ۱۱ سپتمبر ظهور ننموده ولی پناه گاه خود را در امتداد سرحد حفظ نموده است. قوای ما منابع کافی برای تعلیم مؤثر قوای امنیتی افغانستان ندارد تا مردم را محفوظ سازند. جنرال مک کرسنل قوماندان جدید ما در افغانستان گزارش داده است که وضع امنیتی جدی تر از آن است که پیشگویی می شد. خلاصه اینکه وضع موجود قابل دوام نیست.

شما به حیث محصلین اکادمی نظامی درین وقت خطرناک برای خدمت رضاکارانه آماده شدید. بعضی از شما در افغانستان خدمت نموده اید. بسیاری دیگر بعدتر سوق داده خواهند شد. من منحیث قوماندان اعلی شما مکلف هستم برای تان ماموریت واضحی را که سزاوار خدمت شما باشد، تعیین

کنم. روی همین دلیل وقتی انتخابات در افغانستان تکمیل شد، من بر ارزیابی دقیق استراتژی ما اصرار ورزیدم. اجازه بدهید واضح حرف بزنم، کسی هرگز تقاضا نکرده بود که قبل از سال ۲۰۱۰ عساکر سوق داده شوند، پس در قسمت منابع لازم برای جنگ نه تاخیری صورت گرفته و نه رد شده است. در عوض، این ارزیابی به من اجازه داد تا سوالهای مشکلی را طرح بکنم و با تیم امنیت ملی ام، قوای نظامی ما و رهبری ملکی در افغانستان و متحدین و شرکای عمده ما، طرق مختلف را جستجو نمایم. آنچه مطرح است، من به مقابل مردم امریکا و عساکر ما مکلف هستم که از آن کمتر نکنم.

این ارزیابی اکنون تکمیل شده است و من منحیث قوماندان اعلی تصمیم گرفتم که برای مصالح ملی ما لازم است که ۳۰ هزار عسکر اضافی به افغانستان بفرستیم. بعد از ۱۸ ماه عساکر ما به بازگشت به وطن را آغاز خواهند کرد. این منابعی است که ما به آن نیاز داریم تا ابتکار را بدست خود بگیریم و در عین زمان ظرفیت افغانها را اعمار کنیم تا ما را بر ای یک انتقال مسؤولانه قوای ما در افغانستان قادر سازد.

من این تصمیم را به آسانی اتخاذ نکردم. من دقیقاً به خاطری با جنگ عراق مخالف بودم که عقیده دارم که در قسمت استفاده از قوای نظامی باید خویشتن داری داشته باشیم و همیشه عواقب دراز مدت اعمال ما را مد نظر دارم. ما برای هشت سال در جنگ بوده ایم، که بهای آن چی از نقطه نظر جانی یا مالی گزاف بوده است. سالها مباحثه روی موضوع عراق و دهشت افگنی اتحاد ما را در مورد موضوعات امنیت ملی از بین برد و برای این مساعی یک زمینه خیلی دو قطبی و حزبی را ایجاد کرد و بدترین بحران از زمان پس روی عمیق اقتصادی سالهای ۱۹۳۰ به این طرف مردم امریکا توجه را بر اعمار مجدد اقتصاد ما و یافتن شغل برای بی کاران معطوف ساخته که قابل فهم و درک است.

مهمتر از همه من میدانم که این فیصله نسبت به هرکسی دیگر از شما، از قوای نظامی که همراه با فامیلهای تان هم اکنون بیشترین بار را به دوش دارید، مطالبه میکند. من منحیث رئیس جمهور نامه تعزیت را به هریک از فامیلهای امریکاییها امضا کرده ام که جان شان را درین جنگها از دست داده اند. من نامه های والدین و همسران کسانی را که به جنگ سوق داده شده اند خوانده ام. من از عساکر شجاع مجروح در شفاخانه نظامی والتر رید دیدن کردم، من از تابوتهای امریکاییهایی که در جنگ کشته شده اند در میدان هوایی نظامی دیدن نمودم، من بهای جنگ را به چشم سر دیده ام. اگر من فکر نمی کردم که امنیت ایالات متحده و مصئونیت مردم افغانستان در معرض خطر است به خوشی هدایت میدادم که فردا هر یک از عساکر ما به وطن بازگردند.

سی هزار عسکری را که من اعلام می کنم در بخش اول سال ۲۰۱۰ به سرعت ممکن اعزام خواهند شد، تا شورشیان را هدف قرار داده بتوانند و مراکز عمده پرنفوس را امن سازند. این سوقيات قابليت و ظرفيت ما را براي تعليم و تربيه قواي امنيتي افغانستان و شراکت ما را با آن قوا افزایش خواهد داد تا ما بتوانیم یک تعداد بیشتر افغانها را در جنگ دخیل سازیم و آنها در قسمت ایجاد شرایط برای انتقال مسؤولیت از ایالات متحده به افغانها کمک خواهند کرد.

چون این یک مساعی بین المللی است، من خواستار شده ام که متحدین ما نیز با ما در اعزام عساکر بیشتر بپیوندند. بعضی از آنها هم اکنون عساکر اضافی فراهم نموده اند و ما مطمئن هستیم که در روزها و هفته های آینده عساکر بیشتر تعهد خواهد شد. دوستان ما در افغانستان در پهلوی ما جنگیدند، خون ریختند و جانهای خود را فدا کردند. اکنون، ما باید یکجا شده و این جنگ را به طور مؤفّقانه یی به پایان برسانیم. زیرا این صرف آزمایش اعتبار ناتو نه بل که امنیت متحدین ما و امنیت مشترک جهان است.

این عساکر اضافی امریکا و دیگر کشورها، مجموعاً، ما را قادر می سازد، تا تسلیمی مسؤولیت را به عساکر افغانستان تسریع کند و ما را قادر می سازد تا انتقال عساکر ما را از افغانستان در ماه جولای سال ۲۰۱۱ آغاز کنیم. طوری که ما در عراق انجام دادیم، ما این انتقال مسؤولیت را با در نظر داشت شرایط در ساحه به مورد اجرا قرار خواهیم داد. ما به دادن مشوره و کمک به قواي امنيتي افغانستان ادامه خواهیم داد تا مطمئن شویم که آنها در دراز مدت می توانند پیروز گردند. اما این برای حکومت افغانستان، و مهم تر ازان، برای مردم افغانستان واضح خواهد بود که آنها در نهایت امر مسؤول کشور خود شان هستند.

جنرال ستنلی میکراستل، قوماندان قواي ناتو و امریکایی در اعلامیه خود در مورد بیانات بارک اوباما در رابطه با افغانستان چنین گفته است:

«بررسی موضوع افغانستان و پاکستان به رهبری رئیس جمهور ایالات متحده ماموریت نظامی من را واضح ساخته و منابعی لازمه را برای انجام این ماموریت فراهم نموده است.

وضاحت، تعهد و تصمیم که توسط رئیس جمهور پیشکش گردید، گامهای مهمی اند به سوی آوردن امنیت در افغانستان و از بین بردن پناهگاه های مصئون برای دهشت افگنان که برای جهان و منطقه تهدید هستند. . . در عین زمان، در حالیکه ما به پیش رفته و ظرفیت پولیس و اردوی افغانستان را

انکشاف میدهیم، شُرکای افغان ما به حمایت و تقویت قوای ائتلاف ضرورت دارند. اینها تمرکز اساسی مبارزه ما در ماه های آینده در افغانستان خواهد بود.

۴۲ کشور دیگر در افغانستان نیز از تعهد ایالات متحده منفعت خواهند برد؛ زیرا موفقیت در افغانستان باید یک کوشش بین المللی و تلاش ملکی و نظامی باشد، از - ظرفیت امنیتی و تربیه اردو گرفته تا انکشاف در امور حکومت داری و انکشافات اقتصادی - که ثبات دراز مدت را در افغانستان استحکام خواهد بخشید.

تعهد دسته جمعی جامعه بین المللی در قسمت آوردن تغییر واقعی در افغانستان موفق خواهد شد - افغانستانی که دارای یک محیط مصئون و با ثبات خواهد بود - محیطی که حکومت داری مؤثر، امکانات اقتصادی و آزادی برای هر فرد افغان اجازه و امکان پذیر خواد ساخت.

ما در افغانستان با چالشهای زیادی مواجه هستیم، ولی کوششهای ما توسط واقعیت بدون تردید استحکام می یابد. نه مردم افغانستان و نه هم جامعه بین المللی میخواهند که افغانستان پناه گاه و جایگاه خشونت و دهشت باقی بماند.

ائتلاف از تعهد بارک اوباما تقویت یافته است، و ما در قسمت قدرتمند ساختن مردم افغانستان برای رد شورش و ساختن آینده کشور شان، مستحکم هستیم.»

منابع استفاده شده :

- BBC

- The Vice of America

- The New York Times